



حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۲۵ آذر ۱۳۹۰

۱۶ دسامبر ۲۰۱۱



مظفر محمدی

سازمانیابی

طبقه کارگر

دو قطبی شورا، سندیکا

مردود است!

سازمانیابی طبقه کارگر، اشکال گوناگون از تعاونی و صندوق، انجمن های صنفی، سندیکا، تا جنبش مجامع عمومی، شورا، تحزب کمونیستی طبقه کارگر و ... را در بر می گیرد. همه این اشکال اتحاد و سازمانیابی توده ای و حزبی امر حیاتی و فوری و فوتی و در دستور طبقه کارگر در توازن قوای معین بین پروتاریا و بورژوازی است. در این رابطه، تحرکات کارگری برای ایجاد تشکلهای توده ای از جمله جنبش سندیکایی و همزمان برگزاری مجامع عمومی، یک گام به پیش در جنبش کارگری ایران است. در یادداشتی قبلی تحت عنوان "جنبش سندیکایی در ایران تفاوت ها و مصادف ها" از ویژگی های جنبش سندیکایی کنونی ایران و تفاوت های با سنت سندیکالیسم رایج ... صحبت کرده ام.

از دیدگاه بخشی از چپ بی ربط به کارگر، جنبش سندیکاسازی در ایران در سنت سندیکالیسم رایج است، سندیکاها در ایران شانس ندارند و یا نمی گذارند تشکیل شوند. می گویند سندیکا سازی یک توهم است. اگر اینجا و آنجا هم سندیکاهایی ساخته می شوند باید

صفحه ۳

حزب حکمتیست

هشدار

علیه قلدری دولتهای

امپریالیستی، در دفاع از حقوق

مردم

تهدیدات نظامی آمریکا و اسرائیل علیه ایران و همراهی دولتهای غربی وارد فاز خطرناکی شده است. در پس تبلیغات وسیع نظامی، همه امکانات جنگی تمام عیار و خونبار آماده است. جنگی که اگر صورت بگیرد، در خوشباورانه ترین صورت، جان میلیون ها انسان بیگناه را میگیرد. دهها هزار کارگر صنایع کلیدی ایران را در اولین دقایق نابود میکند و کل مدنیت و امنیت را از بین میبرد. جنگی که برای هفتاد میلیون انسان، جز تباهی کامل چیزی ببار نمی آورد. جنگی که علاوه بر کشتار میلیونی مردم، کل زیر ساختهای اقتصادی جامعه، صنایع کلیدی و راهها و امکانات ارتباطی را نابود میکند. این حمله برای مردم ایران جز جنایت و کشتار آنها و جز استیصال نتیجه ای ندارد. حمله نظامی به ایران جدا از کشتار میلیونی مردم و تباهی زندگی و مدنیت در این جامعه، میدان را برای دسته جات قومی، اسلامی و فاشیستی باز میکند و کل جامعه را در مقابل همه اینها بی حفاظ میگذارد. چنین جنگی کل جنبش آزادیخواهانه در جامعه را، کل مبارزات کارگران و بشریت متمدن برای رفاه و آزادی را به پشت صحنه فاجعه انسانی و رقابتهای فوق ارتجاعی و کشمکشهای قدرتهای امپریالیستی جهان میکشاند.

قلدری دولت آمریکا و اسرائیل و سایر دولتهای غربی و پروپاگاند میدیای نوکر

خالد حاج محمدی

چرا اعتصاب غذا؟

چند کلمه با رضا شهابی



رضا شهابی عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد، ۱۹ ماه است به جرم دفاع از حقوق کارگران، در زندان و در شرایط بلا تکلیفی بسر میبرد. اعتراضات تا کنونی خانواده و بستگان رضا شهابی، و تلاشهای کارگران در ایران و اعتراضات بین المللی برای آزادی او، از جانب جمهوری اسلامی بی جواب مانده است. وضع جسمی رضا شهابی تحت تاثیر همه فشارها و وضعیت زندان، وخیم گزارش شده است. رضا شهابی در اعتراض به این وضع از اول

آذر ماه دست به اعتصاب غذا زده و خواهان تعیین تکلیف پرونده خود است. این شرایط هم باعث نگرانی جدی خانواده و بستگان رضا شهابی و هم نگرانی همه کارگران و انسانهای شریفی شده است که رضا شهابی را میشناسند. رضا شهابی امروز یازدهمین روز اعتصاب غذای خود در بند ۲۰۹ زندان اوین را طی میکند. در این ۱۹ ماه که رضا شهابی در زندان بوده است، این دومین دور اعتصاب غذای او است.

برای کسی که زندان های مخوف

کارگران جهان متحد شوید!

آنها، به بهانه خطر "ایران اتمی"، "حقوق بشر" و "تروریسم اسلامی"، سر سوزنی به این ماجراها مربوط نیست. دولتهای غربی خود بزرگترین زرادخانه های نظامی و اتمی دنیا را در دست دارند. دول غربی در دل تبلیغات وسیع جنگی و تحریم اقتصادی ایران، تلاش دارند جواب تناقضات، بحران مالی و مشکلاتی را بدهند که با آن دست و پنجه نرم میکنند. دولتهایی که در روز روشن به بهانه مبارزه با صدام حسین و عراق اتمی، در مقابل چشمان حیرت زده جهانیان، کشوری را نابود و چند میلیون انسان را کشته و زخمی و آواره کردند. و امروز به عنوان "ناجی" مردم ایران طرفدار "امنیت و صلح و آسایش" مردم شده اند. عاملین بکار گیری بمب هسته ای علیه مردم ناکازاکی و قاتلین مردم ویتنام امروز به نام "صلح و بشردوستی" برای مردم ایران، نقشه کشتار جمعی و نابودی جامعه و تباهی کامل زندگی مردم ایران را میریزند. ژورنالیسم نوکر و فاسد، این جنایات را به نام "مبارزه با جمهوری اسلامی" و "دفاع از حقوق مردم ایران"، به مردم جهان تحویل میدهد.

واضح است دشمنی دول غربی با جمهوری اسلامی، سر سوزنی به نفرت عمومی مردم از جمهوری اسلامی ندارد. مربوط نیست. بازندگان چنین جنگی در هر شرایطی طبقه کارگر و زن و جوان و مردم محروم ایران است.

علاوه بر خطر جنگ و فضای ترسناکی که بالای سر مردم ایران قرار داده اند، با افزایش تحریمهای اقتصادی، دامنه فقر و فلاکت را افزایش داده اند و دست جمهوری اسلامی و کل سرمایه داران را در استثمار بیشتر و تحمیل گرانی و کسب سود افسانه ای به بهانه تحریم باز گذاشته اند. تحریم اقتصادی در عراق جان دهها هزار کودک و سالخورده و محرومترین

جریانات قومی و سناریوی سپاهی، رسماً، تحت عنوان " کمک بشردوستانه غرب" مدافع الگوی لیبی در ایران اند. بخشی از سبز از این فضا برای فشار به جناح به قول خودشان ولایت فقیه استفاده میکنند و به نام مخالفت ظاهری با جنگ، عقیده دارند باید جمهوری اسلامی را وادار کرد که برنامه هسته ای را متوقف کند تا جنگ صورت نگیرد. این ها در حقیقت مخالفتی با قلدری دول غربی و جنگ احتمالی آنها ندارند.

حزب حکمتیست رنوس یک سیاست کارگری و کمونیستی علیه وضع موجود را

به طبقه کارگر و مردم زحمتکش به شرح زیر اعلام می کند:

۱- هر نوع تهدید و اقدام نظامی اسرائیل یا آمریکا در ایران به هر

صفحه ۲

جمهوری اسلامی را تجربه نکرده است، کسی که شکنجه و بی حرمتی به شخصیت و کرامت خود را زیر چکمه جلاخان آدم کش و قمه زن نکشیده است، درک دلیل دست زدن به اعتصاب غذا دشوار است. کسی که به جرم دفاع از ابتدائی ترین حقوق انسانی خود، در دفاع از زندگی ای شرافتمندانه، شاهد پرونده سازی و اخراج از کار و گرو گرفتن نان شب خود و فرزندان نشد است، کسی که قانون و سنت و عرف جامعه با تبلیغات مسموم و هزینه های سنگین بر دوش او و همسرانش، علیه اش مهندسی نشده است، درک دست زدن به اعتصاب غذا دشوار است. و کسی که شاهد تباهی زندگی خود و میلیون ها انسان هم صف خود بدست اقلیتی جنایتکار و مفت خور نبوده است، کسی که تک و

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

هشدار، علیه قلدری دولتهای...

بهانه ای، اقدامی جنایتکارانه علیه مردم ایران است، چنین دخالتی مستقیماً علیه مردم ایران، در خدمت عقب راندن اعتراضات آنها و موجب پاشیدن شیرازه جامعه، تحمیل بربریت سیاسی و نظامی و اجتماعی به مردم ایران است. هر نوع همکاری سیاسی و نظامی جریانات و نیروهای سیاسی با دول غربی در چنین جنگی، عملی جنایتکارانه است و باید به عنوان شراکت در کشتار جمعی مردم ایران به آن نگاه کرد.

۲- تداوم و تشدید تحریم و محاصره اقتصادی ابزار کشتار جمعی علیه مردم ایران است، قربانیان اصلی تحریمهای اقتصادی همچنانکه در عراق، بخشهای محروم جامعه، طبقه کارگر، کودکان و سالخوردهگان خواهند بود. تهدید زندگی دهها میلیون خانواده کارگری و مردم زحمتکش جنایت علیه بشریت است.

۳- دفاع از محاصره اقتصادی، حمله نظامی و هر نوع دخالت سیاسی و نظامی غرب، از جانب احزاب و نیروهای سیاسی، سیاستی جنایتکارانه علیه مردم ایران و سپیم شدن در کشتار آنها است. امید بستن بخشی از نیروهای سیاسی و جریانات قومی که در دل فاجعه جنگ و تحریم تحولی به نفع

مردم را نوید می دهند، تحت نام "انقلاب مردمی" در دل این فاجعه، جز خاک پاشیدن به چشم مردم و به بیراهه بردن مبارزات آنان نیست.

۴- جمهوری اسلامی از فضای جنگی و تحریم علیه مردم ایران، علیه طبقه کارگر و زن و جوان آن جامعه استفاده میکند. حمله به سفارت انگلستان سرآغاز تعرض مجدد دستجات اسلامی و باندهای ترور و حزب الله علیه مردم، علیه زن و جوان آن جامعه است. تلاش برای افزایش فضای نظامی، ایجاد اختناق سیاسی، تحمیل فقر و گرانی، جنایت علیه مردم ایران است. باید در مقابل هر نوع تعرض به مردم و اعتراضاتشان، به بهانه تهدید دشمنان خارجی، ایستاد. هر نوع همکاری و همسویی با جمهوری اسلامی به بهانه خطر حمله نظامی، دفاع از میهن و... مستقیماً و عملاً ایستادن در کنار رژیم علیه مردم ایران است.

حزب حکمتیست طبقه کارگر،

زحمتکشان و همه آزادیخواهان ایران را به دخالت علیه موجو فرا می خواند:

۱- طبقه کارگر نیروی اصلی مقابله با جنگ و محاصره اقتصادی و سرکوب بورژوازی و دولت و تحمیل فقر و گرسنگی به بهانه فضای جنگی و تهدید خارجی است. فعالین و رهبران کارگران، تشکلهای کارگری می توانند

در اجتماعات و مجامع عمومی کارخانه و در محلات کارگری، با صدور بیانیه و کفرخواستهای خود، علیه تهدیدات جنگی، محاصره اقتصادی و هر گونه تشدید استثمار و اختناق و تحمیل فقر و گرسنگی اقدام کنند.

۲- کارگران، مردم زحمتکش، جوانان، زنان و همه انسان های آزادیخواه، در محل های کار و زندگی و مدرسه، اتحادی علیه جنگ و فضای جنگی و اختناق و فقر و گرانی سازمان دهند.

۳- باید به روشنی اعلام کرد که مقدم بر هر چیز آزادی، برابری، شادی، رفاه، استثمار نشدن، سرکوب نشدن، بهداشت، خلاصی فرهنگی و تعالی فیزیکی و معنوی حق مردم است. باید در مقابل میلپتاریزه کردن فضای جامعه، علیه تحمیل اختناق اسلامی و نظامی در کارخانه و مدرسه و دانشگاه و محل کار و زندگی، علیه حمله بیشتر به سطح معیشت مردم به بهانه جنگ ایستاد. باید دفاع از امنیت، معیشت و زندگی را سازمان داد.

۴- کارگران و مردم زحمتکش با ایجاد کمیته های محله و کارخانه، تشکیل واحد های گارد آزادی، برای دفاع از گرسنگی خود در مقابل عناصر سناریوی خارجی است. فعالین و رهبران کارگران، تشکلهای کارگری می توانند

محل و سراسری، خود را برای مقابله با بحران جنگی، حاضر تجهیز کنند. و با همبستگی و وصل کردن مبارزات کارگری وتوده ای به همدیگر اجازه ندهند مشتی اوپاش سیاسی در ایران، اسرائیل، آمریکا و انگلستان، آینده ما و فرزندانمان را رقم بزنند. این تنها را مقابله با توحشی است که جان و مال و زندگی ما را تهدید میکند.

۵- حزب حکمتیست همه احزاب و جریانات سیاسی مخالف جمهوری اسلامی را به بستن سدی در مقابل قلدر منشی اسرائیل، آمریکا و انگلستان و تهدیدات جنگی، محاصره اقتصادی از جانب ارتجاع بین المللی و تحمیل فقر و فلاکت و سرکوب مردم از جانب جمهوری اسلامی به بهانه فضای جنگی و تحریم، دعوت می نماید. طرفداران سناریوی لیبی در ایران، دشمنان مردم و شریک جنایت غرب در تعرض به جان و مال و زندگی و آزادی مردم ایران اند و باید از صف اپوزیسیون طرد و رسوا گردند.

حزب کمونیست کارگری- حکمتیست

۱۳ دسامبر ۲۰۱۱

مبارزه طبقاتی: پرولتاریا و بورژوازی

کمونیسم کارگری اما فرقه مصلحین خیالپرداز و قهرمانان مشتاق نجات بشریت نیست. جامعه کمونیستی الگو و نسخه ای ساخته و پرداخته ذهن خردمندانی خیراندیش نیست. کمونیسم کارگری جنبشی است که از بطن خود جامعه سرمایه داری معاصر برمیخیزد و افق و آرمانها و اعتراض بخش عظیمی از همین جامعه را منعکس میکند.

تاریخ کلیه جوامع تاکنونی تاریخ مبارزه و کشمکش طبقاتی است. جدالی بی وقفه، گاه آشکار و گاه پنهان، میان طبقات استثمارگر و استثمار شونده، ستمگر و تحت ستم در ادوار و جوامع مختلف در جریان بوده است. این جدال طبقاتی است که منشاء اصلی تحول و تغییر در جامعه است.

برخلاف جوامع پیشین که عموماً بر سلسله مراتب طبقاتی و قشربندی های پیچیده ای بنا شده بودند، جامعه مدرن سرمایه داری تقسیم طبقاتی را بسیار ساده کرده است. جامعه معاصر، علیرغم تنوع وسیع مشاغل و تقسیم کار گسترده، بطور کلی بر محور دو اردوگاه طبقاتی اصلی که رودرروی یکدیگر قرار گرفته اند سازمان یافته است: کارگران و سرمایه داران، پرولتاریا و بورژوازی.

تقابل این دو اردوگاه در پایه ای ترین سطح سرمنشاء و مبنای کلیه کشمکش های اقتصادی، سیاسی و حقوقی و فکری و فرهنگی متنوعی است که در جامعه معاصر در جریان است. نه فقط حیات سیاسی و اقتصادی جامعه، بلکه حتی زندگی فرهنگی و فکری و علمی انسان امروز که بظاهر قلمروهایی مستقل و ماوراء طبقاتی بنظر میرسند، مهر این صفتبندی محوری در جامعه مدرن سرمایه داری را بر خود دارند. اردوی پرولتاریا، اردوی کارگران، با همه تنوع افکار و ایده آله و گرایشات و احزابی که در آن وجود دارد، نماینده تغییر و یا تعدیل نظام موجود به نفع توده محروم و تحت ستم در جامعه است. اردوی بورژوازی، باز با کلیه مکاتب و احزاب سیاسی و متفکرین و شخصیت های رنگارنگش، خواهان حفظ ارکان وضع موجود است و در مقابل فشار آزادیخواهی و مساوات طلبی کارگری از نظام سرمایه داری و قدرت و امتیازات اقتصادی و سیاسی بورژوازی دفاع میکند.

کمونیسم کارگری از این مبارزه طبقاتی سر بر میکند. صفی در اردوگاه پرولتاریاست. کمونیسم کارگری جنبش انقلابی طبقه کارگر برای واژگونی نظام سرمایه داری و ایجاد یک جامعه نوین بدون طبقه و بدون استثمار است.

از برنامه حزب کمونیست کارگری ایران حکمتیست

مرگ بر جمهوری اسلامی!

سازمانیابی طبقه کارگر....

است. لذا این مبارزه هر اندازه تند و تیز و احساساتی و آکسیون و "رادیکال" باشد پذیر فتنی است و به هدف چپ نزدیک تر است. فراخوان آکسیون خیابانی امسال اول مه و خودفروشی و لفاظی های توخالی چپ خرده بورژوا در مورد آن از این تیپ کار است که با گام های عملی واقعی کارگران دنیایی فاصله دارد. جنبش طبقه کارگر به تحولی بسیار جدی در درون خود احتیاج دارد. همچنین در دل اوضاع سیاسی کنونی و تنش های رژیم سرمایه داران حاکم بر ایران، به گام های بیشتر و گسترده تری برای پیشروی عملی نیازمند است. در دیدگاه چپ غیرکارگری، سندیکا مضر و بورژوایی است و یا در بهترین حالت همینقدر که تشکیل شده کافی است و نباید گسترش یابد. یکی می خواهد کارگران را از کرده خود پشیمان کند و دیگری فرمان توقف و ایست می دهد و "خطر" سندیکالیسم را در نتیجه گسترش سندیکاهای فراتر از شرکت واحد و هفت تپه و غیره، گوشزد می کند. شوراخواهی ایدئولوژیک، از سندیکاهای موجود کارگری دفاع می کند اما گسترش آن را مضر و یا ناممکن می داند. معلوم نیست چرا اگر سندیکا درست شد قابل دفاع است اما گسترش آن قابل دفاع نیست. علیرغم باورها و تبلیغات چپ غیر کارگری هر کاری که تا کنون شده در مکانیسم واقعی مبارزه طبقه کارگر انجام گشته است. در مقابل این تمهیدات و تفکرات ایدئولوژیک و بی ربط چپ، فعالین و رهبران کارگری هم سندیکای مستقل خود را سازمان داده و هم مجامع عمومی با شکوهی را در شرکت واحد، هفت تپه، پتروشیمی ها و ...، داشته است. سرنگونی فوری جمهوری اسلامی

عطف توجهی به آن داشت اما نباید جدیشان گرفت. باید شوراهای انقلابی کارگران برای قیام و سرنگونی را شکل داد... جنبش شورایی و شوراهای کارگری در این دیدگاه پدیده ای ایدئولوژیک، فارغ از زمان و مکان و توازن قوای طبقاتی بین طبقه کارگر و بورژوازی است. این تفکر و نگاه، پیچیدگی های شکل یابی توده ای طبقه کارگر و مکانیسم اتحاد کارگری در اشکال مختلف و در مقاطع گوناگون و متفاوت در توازن قوای طبقاتی معین را نمی بیند و نمی شناسد. در این دیدگاه سندیکا و شورا در دو قطب مخالف هم قرار دارند. دوقطبی ای که در زمین واقعی رابطه کارگر و بورژوا و بویژه در شرایط کنونی ایران، مردود است. جنبش سندیکایی کنونی در ایران و در میان بخشی از طبقه کارگر تا زمانی که به ابزار بورژوازی علیه منفعت کارگران تبدیل نشده است، جنبشی در جهت رفع پراکندگی صفوف طبقه و بهبودی در شرایط کار و زندگی آن است. کارگران کمونیست می توانند مانع سقوط سندیکاهای کارگری به سنت سندیکالیسم رایج شده و استقلال و رادیکالیسم آن را حفظ کنند. برخی هم جنبش مجمع عمومی را غیرممکن و حتی ضد کمونیستی می نامند. همه این تصورات و ذهنیت ها نشان می دهند که دنیای چپ غیرکارگری با مبارزه طبقاتی و اجتماعی و مکانیسم مبارزه طبقه کارگر، از بیخ و بن بی ربط و بیگانه است. برای این چپ، طبقه کارگر جزئی از جامعه و جزئی از توده های مردم است و در نتیجه، اعتصاب و مبارزات کارگری مثل هر تحرک و اعتراض دیگر در خدمت امر سرنگونی فوری جمهوری اسلامی

تلویزیون پرتو

تلویزیون پرتو روزهای جمعه ساعت ۶ تا ۷ بعد از ظهر به وقت تهران از کانال KBC روی ماهواره هات برد پخش میشود.

فرکانس پخش

HOTBIRD
DL freq.: 11604 Ghz
FEC: 5/6
Pol.: H
SR: 27500
HB: 8
TP: 155

زمان پخش برنامه های پرتو را به دوستان و آشنایان خود اطلاع دهید
مار را از کیفیت پخش برنامه ها مطلع کنید

رادیو پرتو صدای رادیکال طبقه کارگر

ساعت پخش رادیو پرتو جمعه ها

۱۸ تا ۲۰ به وقت لندن

۱۹ تا ۲۱ به وقت اروپای مرکزی

۲۱.۳۰ تا ۲۳.۳۰ به وقت ایران

شما میتوانید در ایام هفته شنونده تکرار برنامه در همین ساعت باشید

www.radiopartow.com/wp/

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

چرا اعتصاب غذا؟ ...

تنها در بندهای زندان بدست مشت‌آلود کش و چنایتکار با سلب همه حقوق یک زندانی زنجیر نشده است، درک اینکه چرا بعضی از شریفترین، محبوبترین و جسورترین انسانها دست به اعتصاب غذا میزنند، دشوار است.

رضا شهابی عزیز!

خبر اعتصاب غذای شما از همان روز اول، در میان همکارانت در شرکت واحد، در میان کارگران نیشکر هفت تپه، کارگران ایران خودرو، پتروشیمی، نوب آهن، نفت و گاز و هزاران کمونیستی که برای رهائی طبقه کارگر مبارزه میکنند... پخش شد و همه را نگران کرد. امروز و با گذشت ۱۱ روز از اعتصاب غذای شما میلیونها کارگر و انسان شریف از مراکز کار تا دانشگاهها، از حلبی آبادها تا صف کارگران جنسی هم طبقه ای ما، که امید به اتحاد و مبارزه مشترک در میان طبقه کارگر و اتحاد و سازمان آن را از چشم رضا شهابی ها، مددیها، اسالوها، ترابی ها، علی نجاتیها، رضا رخشانها و محمود صالحی ها و... میدیدند، عمیقاً نگران سرنوشت شما هستند.

کارگران شرکت واحد و دهها مرکز دیگر فراموش نکرده اند که سال ۸۴ چگونه اجیر شدگان چاقو کش خانه کارگر، زمان اعلام سندیکا در محل جمع شدند و میخواستند زبان اسالو را ببرند. فراموش نکرده اند که با مبارزه جمعی و مشترک و به همت فعالینی چون شما، سندیکای شرکت واحد به دولت و صاحبان سرمایه تحمیل شد. شما و بقیه فعالین شرکت واحد و هفت تپه، سدی را شکستید و با اتکا به مبارزه جمعی و اتحاد صفی از کارگران، این حقیقت که قدرت طبقه کارگر در اتحاد و تشکل است و کارگر پراکنده فاقد هیچ قدرتی است را نشان دادید و ثابت کردید. و امروز شما و بخش عمده رهبران کارگری به جرم بستن نطفه اتحاد و تلاش برای مبارزه جمعی کارگران، در مقابل سرمایه داران و دولت جمهوری اسلامی، همگی خسارت شهامت، روشن بینی و پیشروی تان را میدیدید. خسارتی که باید توسط طبقه کارگر بر شما و زندگی شما، به حداقل برسد. به این امید که طبقه کارگر، پیشروان و رهبران مبارزات خود را به گرمی مورد حمایت قرار دهد و دست تعرض دولت و کارفرماها را از جان و سلامت آنها کوتاه کند.

اعتصاب غذا راه نیست!

اعتصاب غذا راه جمعی مبارزه طبقه ما نیست، آزار جسمی و خرد کردن توان فیزیکی و روحی و روانی خود، راه

مبارزه جمعی طبقه کارگر نیست. اعتصاب غذای شما، ما و مبارزه ما را به پیش نخواهد برد و سدی در مقابل تعرض دولت و کارفرماها نمی بندد. شرایط و موقعیتی که شما در آن قرار دارید قابل درک است، اما نباید خود را از توان انداخت، نباید جسم و جان خود را در معرض آسیب قرار داد. روشن است که علت این اعتصاب غذا و مسبب آسیبی که شما به خاطر آن متحمل میشوید، دولت ضدکارگر و کارفرماهای گردن کلفت اند.

اما نباید دشمنان طبقه کارگر این شکل از اعتراض را به ما تحمیل کنند. این شکل اعتراض، هرچند که توجه جامعه را به بی عدالتی که در حق شما و کسانی که برای حق آنها اعتراض میکنند، جلب میکند، اما راهی به پیش نیست. عکس ما و شمایی را که "ناچارا" به این شکل اعتراض روی آورده ایم، کسانی که با اعتصاب غذا سلامت و زندگی خود را در گرو تحقق مطالباتشان قرار داده اند، منتشر میکنند! در عین حالی که به اصطلاح برای ما دل میسوزانند، آن را سندی در کم ارزش کردن جان و سلامت ما و خانواده های ما میکنند. و از آن باز علیه ما، علیه توقعات بالا و انسانی ما، استفاده میکنند. آن را سند استیصال، سند بی ارزشی جان و سلامت رهبر مبارزات کارگری اعلام میکنند.

این راه، با همه احترامی که برای شما و تلاش تان قائلیم، متأسفانه صف ما را تقویت نمیکند و راه مبارزه جمعی و قابل تعمیم نیست. خانواده و بستگانتان، رفقا و هم طبقه ای هایتان، ما همگی می خواهیم سالم و سلامت شما را همچنان در کنار خود داشته باشیم. ناپودی فیزیکی شما دشمنان ما را خوشحال خواهد کرد، جمهوری اسلامی با ناپودی شما، با فرسوده شدن و وخیم شدن وضع جسمی شما زیان نمیببرد. این ما، و صف ماست که یکی از بهترین فعالین و دلسوزان خود را از دست میدهد. این شایسته شما، خانواده شما، کودکان و دوستان و رفقای تان نیست.

بنظر نمی آید کسی در صف رفقای تان، در میان میلیونها کارکن جامعه، در میان خانواده و بستگانتان و در میان هزاران فعال کارگری و دانشجویی و فعال حقوق زن، که در این سالها به کار مشترک شما امید بسته بودند و در کنارتان بودند، این راه را شیوه موثری بدانند. نباید این صف را ناامید کرد.

رفقای کارگر!

رضا شهابی را نباید تنها گذاشت! شرایط زندان و بی حقوقی و تنهایی را که جمهوری اسلامی به یک رهبر کارگری تحمیل کرده است، را نباید

پذیرفت. کارگران شرکت واحد و سایر مراکز نباید بگذارند که رهبر و فعال و موثر و اصلی اعتراض ما، یکی از همسنگر و همکار دیروزشان، امروز مهمترین کار هر مبارزه و تضمین در زندان احساس تنهایی کند. نباید گذاشت هیچ فعال کارگری و انسان بچه های او و بستگان او از همگی ما، شریفی در زیر دست جلادان زندان از همکاران او در شرکت واحد و... خود را در مقابل توحشی که حاکم کرده برای تلاشی همه جانبه جهت آزادیش اند تنها احساس کند. و این دیگر کار ما است، کار همه کسانی که سالها رضا باید جوابش را داد.

شهابی برای اتحاد آنها و برای حقوق اولیه آنها تلاش کرد و به همین خاطر امروز در زندان است. حفظ رهبر و

آزادی و برابری

جامعه باید آزادی انسان را تضمین کند. آزادی به معنی آزادی از سرکوب و افتناق سیاسی، آزادی از اجبار و انقیاد اقتصادی، آزادی از اسارت فکری، آزادی در تجربه ابعاد مختلف زندگی انسانی، آزادی در شکوفائی فلاقیات های بشری و آزادی در تجربه ابعاد عظیم عواطف انسانی.

جامعه باید تضمین کننده برابری انسانها باشد. برابری نه فقط به معنی برابری در مقابل قانون بلکه برابری در برفورداری از امکانات و نعمات مادی و معنوی جامعه. برابری در حرمت و ارزش همه انسانها در پیشگاه جامعه.

از مقدمه بیانیه حقوق جهانشمول انسان - مصوب حزب حکمتیست

نشریه حزب کمونیست کارگری حکمتیست

سردبیر: خالد حاج محمدی

www.hekmatist.com

هفتگی

کمونیست را بخوانید

کمونیست را بدست کارگران برسانید

کمونیست را تکثیر و توزیع کنید

به کمونیست کمک مالی کنید

زنده باد سوسیالیسم